

بازشناسی مفهوم قلمرو در سه حوزه کالبدی، رفتاری و معناشناختی در معماری کوچ (مطالعه موردی: عشایر بویراحمد)

علی‌اکبر حیدری*، قاسم مطلبی**، غزال انصاری‌راد***

1395/01/24

تاریخ دریافت مقاله:

1395/11/06

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

معماری کوچ و زندگی عشایر، جنبه‌های نهفته بسیار دارد که متأثر از شیوه زندگی کوچ‌نشینان و فرهنگ و اجتماع آن‌ها می‌باشد. کوچ‌نشینی شیوه‌ای از زندگی با جابه‌جایی سالانه و موسمی است که گروهی از مردم همراه با چهارپایان خود، از محل چادرهای زمستانی تا چراگاه‌های تابستانی نقل مکان می‌کنند و در فصل سرما دوباره به اردوگاه زمستانی خود باز می‌گردند. پدیده کوچ نوعی هماهنگی و سازش انسان با محیط طبیعی است که تا حدودی تحت تأثیر جبر محیطی نیز قرار دارد. بر این اساس می‌توان چنین پنداشت که زندگی کوچ‌نشینی یک نوع امرار معاش و بالطبع یک مسئله فرهنگی است که شیوه زندگی خاصی را معرفی می‌کند. در این خصوص مفهوم قلمرو به‌عنوان یکی از مفاهیم مطرح در مطالعات انسانی و محیطی، در شکل‌گیری نظام فضایی این نوع معماری، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این مفهوم بیش از آن‌که یک ویژگی کالبدی باشد، مفهومی ذهنی بوده که هم در ساختار کالبدی محیط و هم الگوهای رفتاری ساکنین و معانی که ساکنین از محیط زندگی خود ادراک می‌کنند، نمود دارد. با این حال چنین به نظر می‌رسد که بررسی این مفهوم در معماری کوچ، با توجه به نوع زندگی و شیوه سکونت خاص این افراد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. لذا پژوهش حاضر ضمن بررسی نوع زندگی و شیوه سکونت خاص این افراد و نیز سازمان فضایی این نوع زندگی، به بررسی مفهوم قلمرو در سه حوزه کالبدی، رفتاری و معناشناختی در ایل سادات محمودی از طوایف بویراحمد سفلی به‌عنوان نمونه موردی می‌پردازد. بر این اساس با مراجعه حضوری به محل زندگی این عشایر و تهیه نقشه و کروکی از سازمان فضایی ایل و همچنین انجام مصاحبه و مشاهده، به گردآوری اطلاعات لازم پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان داد که مفهوم قلمرو در سه بعد کالبدی، عملکردی و معنایی در معماری کوچ، نمود دارد و این مفهوم هم از بعد عینی و هم از بعد ذهنی قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی: معماری کوچ، قلمرو، کالبد، رفتار، معنا.

* استادیار معماری، عضو هیئت علمی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه یاسوج. Aliakbar_heidari@yu.ac.ir

** استادیار معماری، عضو هیئت علمی دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه پیام نور واحد تهران شرق.

مقدمه

کوچ‌نشینی شیوه‌ای از زندگی با جابه‌جایی سالانه و موسمی است که گروهی از مردم همراه با چهارپایان خود، از محل چادرهای زمستانی تا چراگاه‌های تابستانی نقل مکان می‌کنند و در فصل سرما دوباره به اردوگاه زمستانی خود باز می‌گردند (امان‌اله، 1360). پدیده کوچ نوعی هماهنگی و سازش انسان با محیط طبیعی است که تا حدودی تحت تأثیر جبر محیطی نیز قرار دارد (امان‌اله، 1360). مهم‌ترین ویژگی زندگی کوچ‌نشینان، حرکت و جابه‌جایی برای تأمین نیازمندی‌های زندگی‌شان است. این جابه‌جایی شرایط خاصی را ایجاد می‌کند که تمامی شئون زندگی کوچ‌نشینان از قبیل معماری، فرهنگ، خلق و خوی و حتی ویژگی‌های جسمانی آن‌ها را تحت شعاع قرار می‌دهد و به این ترتیب کوچ‌نشینی را از یک‌جانشینی متمایز می‌سازد (امان‌اله، 1360). بر این اساس می‌توان چنین پنداشت که زندگی کوچ‌نشینی یک نوع امرار معاش و بالطبع یک مسئله فرهنگی است که شیوه زندگی خاصی را معرفی می‌کند. این در حالی است که کنکاش و بررسی این نوع شیوه زندگی در مطالعات مربوط به معماری بومی ایران مغفول مانده و جایگاه این دست پژوهش‌ها به منظور شناخت ریشه‌های فرهنگی معماری معاصر، امری ضروری به نظر می‌رسد.

این پژوهش قصد بر آن دارد که با شناخت الگوی زندگی عشایر و رفتارهای محیطی ساکنین آن، مفهوم قلمرو را از منظر کالبدی، رفتاری و معناشناختی، در سه حوزه زندگی خصوصی، نیمه عمومی و عمومی مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس پس از معرفی شیوه زندگی مردم کوچ، به تبیین ادبیات نظری مفهوم قلمرو پرداخته می‌شود که در نهایت به استخراج چارچوب نظری تحقیق ختم می‌گردد سپس با معرفی

نمونه‌موردی، مفاهیم قلمرو در سه حوزه کالبدی، رفتاری و معنایی در این نمونه، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پیشینه تحقیق

در رابطه با مفهوم قلمرو افراد متعددی دست به پژوهش زدند که بی شک راهگشای تحقیقات پیش روست. از آن جمله می‌توان به ایروین آلتمن (Altman, 1975) و جان لنگ (لنگ، 1938) اشاره کرد. علیرضا عینی‌فر و آزاده آقالطیفی (عینی‌فر و آقالطیفی، 1390) نیز مفهوم قلمرو را در مجموعه‌های مسکونی مورد مطالعه قرار داده‌اند. با این حال این پژوهش قصد دارد تا با نگاه نوبه مفهوم قلمرو پرداخته و آن‌را در معماری کوچ مورد بررسی قرار دهد. در ارتباط با کوچ و عشایر نیز پژوهش‌هایی انجام شده که می‌توان به دست‌یافته‌های ارزنده افرادی چون نادر افشارنادری (افشارنادری، 1391)، جواد صفی‌نژاد (صفی‌نژاد، 1368) و نیز سکندر امان‌اله بهاروند (امان‌اله بهاروند، 1360) اشاره کرد. این در حالی است که پژوهش‌های انجام شده در زمینه علوم اجتماعی و مردم‌شناسی بوده و کمتر از دید معمارانه به این موضوع نگاه شده است. پژوهش‌هایی نیز درباره معماری کوچ و عشایر صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به افرادی همچون محسن افشاری و شهرام پوردیهیمی (افشاری و پوردیهیمی، 1394) اشاره کرد. با این حال نیاز به بررسی بیشتر در این زمینه محسوس است.

بررسی ادبیات موضوع

شیوه زندگی مردم کوچ

شیوه زندگی¹ اصطلاحی است که به نحوه زندگی تصویب شده یک گروه و یا چندین قوم اشاره دارد (Benedikter. et al, 2011). این مفهوم یکی از مهم‌ترین و مفیدترین ابزار سنجش برای درک رفتار

چراکه طبیعت بستر اصلی زندگی عشایر است و آن‌ها همواره به‌طور مستقیم با آن در ارتباطند (لفافچی، 1388). سیاه‌چادر، مسکن متحرک و سنتی عشایر کوچ‌رو می‌باشد که در "کهگیلویه" و "بویراحمد" بیشتر "بُهون" نامیده می‌شود. گروه از عشایر گاه اوقات در سردسیر و گاه در گرمسیر در سیاه‌چادر سکونت می‌کنند. گروه دیگر به‌طور دائمی هم در گرمسیر و هم در سردسیر در سیاه‌چادر سکونت دارند. در سال‌های اخیر بعضی از عشایر ساختمان‌هایی نیز برای سکونت خود ایجاد نموده‌اند. ساختمان سیاه‌چادر دارای دو بخش مجزا می‌باشد، بخشی که از قطعات بافته شده از موی بز تشکیل می‌گردد و بخش دیگر قطعات چوبی پایه و میخ و غیره (صفی‌نژاد، 1362: 106).

مفهوم قلمرو

هر رفتاری در محدوده‌ای مشخص و تعیین شده اتفاق می‌افتد که قلمرو نامیده می‌شود. این مفهوم ریشه در تحلیل‌های جامعه‌شناختی زندگی شهری دارد که از دهه 1920 آغاز شد (Park, Burgess & Mckenzie, 1925; Thrasher, 1927; Whyte, 1943; Yablonsky, 1962; Zorbaugh, 1929). مفهوم قلمرو دربردارنده استفاده انحصاری متقابل از مکان و اشیا توسط اشخاص یا گروه‌هاست (Altman & Hythorn, 1967; Altman & Taylor & Wheeler, 1974; Sundstrom, 1971). قلمرو فضایی محدود شده است که یک شخص یا گروه از آن استفاده نموده و همچون فضایی انحصاری دفاع می‌کند. این قلمرو دربردارنده احساس یگانگی روانی با یک مکان است که با رفتارهای مالکیت‌جویانه و قرار دادن اشیا در آن مشخص و محدود می‌شود (Pastalan, 1970). مفهوم قلمرو تنها یک موضوع فضایی نیست، بلکه یک پدیده اجتماعی نیز به‌شمار می‌رود. در حقیقت قلمرو را

ساکنان و به تبع آن شکل کالبدی مسکونی می‌باشد (Lee, 2005). روش زندگی، محصول نهایی فرهنگ است که به‌واسطه فعالیت‌های روزمره افراد آشکار می‌شود (Rapoport, 2005). این مفهوم در محیط‌های ساخته شده براساس ارزش‌ها یعنی ایده‌آل‌ها، تصورات و طرح‌واره‌ها شکل می‌گیرد و متأثر از فرهنگ گروه‌ها در جوامع است. در تحلیل و طراحی محیط، مفهوم روش زندگی و نظام‌های فعالیت، مفاهیمی مهم و مورد تأکید می‌باشد (افشاری و پوردیهیمی، 1394).

شناخت معماری کوچ، به‌عنوان ظرف زندگی کوچ‌نشینان، بدون بررسی حقیقت این زندگی امکان‌پذیر نیست. بنابراین به‌منظور شناخت معماری کوچ در عشایر، در مرحله اول باید به شناخت شیوه زندگی آن‌ها پرداخته شود. زندگی کوچ‌نشینان از شیوه خاصی از معاش انسان ناشی می‌شود که بر پرورش دام مبتنی است. این نوع زندگی مستلزم جابه‌جایی انسان در فصولی از سال در جستجوی مراتع طبیعی برای تأمین غذای دام است. پس مهم‌ترین ویژگی زندگی کوچ‌نشینان، حرکت و جابه‌جایی برای تأمین نیازمندی‌های زندگی است (لفافچی، 1388).

بنا به تعریف رایج، جامعه عشایر کوچنده، به جماعتی از عشایر اطلاق می‌گردد که اساس معیشت آنان مبتنی بر دامداری سنتی بوده، از نظام ایلی تبعیت نموده و به‌منظور تعلیف دام و تأمین معاش بین بیلاق و قشلاق حرکت منظم فصلی داشته و غالباً از سیاه‌چادر، آلاچیق و انواع سرپناه قابل حمل در تمام یا بخشی از سال استفاده می‌نماید (برخوردار، 1384: 34).

سادگی، سبکی و قابلیت جابه‌جایی اجزای زندگی کوچ‌نشینان و به‌طور کلی تناسب این اجزا با این شیوه زندگی امکان کوچ را فراهم می‌آورد. سازگاری با محیط طبیعی پیرامون، رکن مهمی در زندگی کوچ‌نشینان است

می توان موقعیت و مکان یک اجتماع در فضا دانست (Lawson, 2001: 168).

می توان چنین ادعا نمود که مفهوم قلمرو و نقش اساسی آن در زندگی انسان، این امکان را برای او فراهم می نماید که فضای اطراف خود را ساماندهی نموده و به آن هویتی فردی یا جمعی دهد. قلمروپایی با امکان تغییر محیط و به نوعی شخصی سازی آن تأثیر به سزایی در ایجاد حس هویت دارد (Roberts & Russel, 2002: 17). قلمروها ویژگی های خاصی دارند. یکی از مهم ترین ویژگی های قلمروها حس هویت است. چرا که اشرف بر محدوده های جغرافیایی و نظارت بر آن تعریفی عینی از فرد یا گروه به دست می دهد (Altman, 1975). نقش قلمروها تسهیل تعامل اجتماعی و تثبیت نظام های اجتماعی است. از طریق نظارت بر تعامل اجتماعی رابطه افراد را تسهیل و از این رهگذر، از تضاد و ارتباط نادرست اجتماعی جلوگیری می کند (Lang, 1938).

قلمروها انواع مختلفی دارند. یکی از مهم ترین معیارها برای دسته بندی قلمروها مدت زمان استفاده از آنها می باشد. بر این اساس، قلمروها را می توان به قلمروهای فضایی موقت و قلمروهای دائمی تقسیم نمود. قلمروهای موقت مبین تصاحب موقت و کنترل یک قرارگاه رفتاری در مقابل مکان های رفتاری دائمی هستند (Lang, 1938).

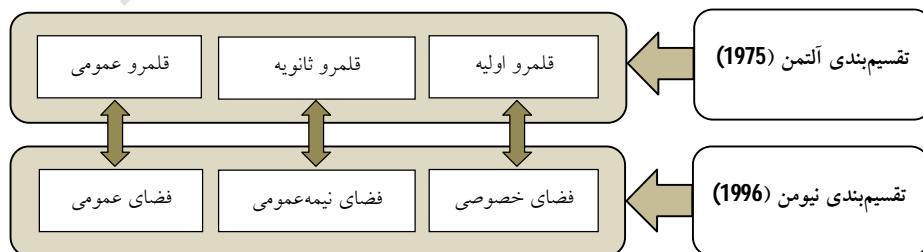
از دیگر تقسیم بندی هایی که در رابطه با عمومی یا

خصوصی تر بودن قلمرو وجود دارد، دسته بندی آلتمن (1975) است. وی با اشاره به پژوهش های افراد گوناگون درباره قلمرو، سه گونه قلمروی «نخستین»، «ثانویه» و «عمومی» را معرفی می کند که این تقسیم بندی بر اساس ماهیت مفهومی و سلسله مراتبی است (Altman, 1975).

- قلمرو اولیه: این نوع قلمرو تحت مالکیت و استفاده انحصاری فرد یا گروه خاصی است که توسط دیگران نیز به رسمیت شناخته شده است و به شکلی دائمی تحت اختیار مالکین آن قرار دارد. براور (1965) این نوع قلمرو را قلمرو شخصی می نامد و نمونه آن را خانه می داند.

- قلمرو ثانویه: این سطح از قلمرو کمتر نقش مرکزی و انحصاری دارد و معادل گروه های ثانویه در جامعه شناسی است. این قلمرو فضایی مابین قلمرو اولیه و قلمرو عمومی است که از یک طرف برای چند گروه جنبه خصوصی و مشاء داشته و از سویی دیگر از استفاده عموم از آن جلوگیری می نماید.

- قلمرو عمومی: این سطح، حوزه ای موقتی است و تقریباً امکان استفاده و دسترسی به آن برای عموم امکان پذیر است. این نوع قلمرو را قلمرو آزاد، قلمرو عمومی و نیز قلمرو اختیاری نامیده اند (Altman, 1975). این تقسیم بندی با نظریه فضای قابل دفاع اسکار نیومن، در ارتباط با مفهوم قلمرو در سه حوزه فضای خصوصی، فضای نیمه عمومی و فضای عمومی، هم ارز است (Newman, 1996: 58) (تصویر شماره 1).



ت 1. مقایسه تقسیم بندی آلتمن و نیومن. مأخذ: پاکزاد و بزرگ، 1393.

"معنا" در محیط ساخته شده، اشاره به "منظوری" دارد که خصوصیات محیط ساخته شده آن را تأمین می‌نماید. هرشبرگ (1970) در خصوص معنا معتقد است که این افراد هستند که معنا را بر چیزها حمل می‌کنند. در نظریه هرشبرگ، معنا امری درونی است و در ذهن صورت می‌پذیرد (افشاری و پوردیهیمی، 1394).

در رویکرد ارتباط غیرکلامی، خصوصیات محیط ساخته شده جوابگوی معانی ذهنی انسان هستند. این بدان مفهوم است که معنا در محیط‌های ساخته شده چیزی نیست که به عملکرد اضافه می‌گردد، بلکه معنا خود مهم‌ترین عاملی است که محیط باید به آن پاسخ دهد. لذا بعد معنایی نقش مهمی در رویکرد ارتباط انسان دارد (پوردیهیمی، 1390: 6).

درباره منبع معانی پوردیهیمی می‌نویسد که "ارزش‌ها که در ارزیابی محیط نقش مهمی ایفا می‌کنند، از طریق ایده‌آل‌ها، تصورات، طرح‌واره‌ها و معانی بیان می‌شوند که این جنبه‌ها منجر به ایجاد هنجارها، استانداردها، قوانین، توقعات و ... می‌گردند که در نهایت همه آن‌ها به روش زندگی وابسته هستند. مفهوم روش زندگی به‌طور ویژه به انتخاب کیفیت‌های محیطی، کیفیت‌های زندگی، فعالیت‌ها و شیوه فعالیت‌ها که مربوط به روش زندگی در محیط‌ها می‌باشد، منجر می‌گردد. روش زندگی مفهومی است که به‌رحال در محیط‌های ساخته شده بر اساس ارزش‌ها یعنی ایده‌آل‌ها، تصورات و طرح‌واره‌ها شکل می‌گیرد و در جوامع پدید می‌آید" (پوردیهیمی، 1390: 10).

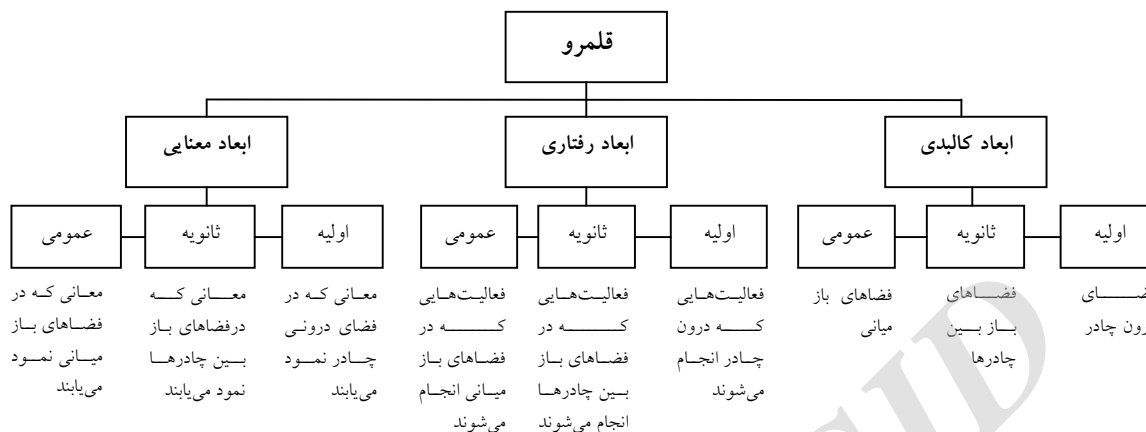
مسئله مهم در سازگاری محیط با روش زندگی انسان، انطباق قابلیت-معنا است. معانی [منظورهای غیرمستقیم] مربوط به ارزش‌ها در نظام فرهنگی هستند و قابلیت‌ها مربوط به خصوصیات محیط [مسکن] هستند. انسان بین

معنا [منظور] و قابلیت خصوصیات محیطی ارتباط برقرار می‌کند و خصوصیات را که معانی او را تأمین می‌کنند به کار می‌گیرد. انطباق معنا-قابلیت در ذهن انسان رخ می‌دهد. لذا همان‌طور که چمر (2003: 181) اشاره می‌کند، معنا به خواسته انسان برمی‌گردد و قابلیت به ویژگی‌های محیطی متناسب با توانایی‌های انسان و درک انسان بستگی دارد. انسان از ویژگی‌های مختلف محیطی بنابر استعداد خاص خود، قابلیت را درک می‌کند و با توجه به توانایی خود برای تأمین معانی [منظورهای] مختلف، از آن قابلیت در جهت رویدادها محیط را برای تأمین معانی [منظورهای] خود استفاده می‌نماید و اگر قابلیت در محیط موجود نباشد، خصوصیات متناسب با قابلیت مطلوب را برای تأمین معنا ایجاد می‌کند. بنابراین می‌توان اظهار داشت که سازگاری محیط با روش زندگی انسان در انطباق دو مفهوم "قابلیت و معنا" نهفته است (افشاری و پوردیهیمی، 1394).

چارچوب نظری تحقیق

با توجه به دیدگاه آلمن، قلمرو در سه حوزه اولیه، ثانویه و عمومی قابل بررسی است. قلمرو اولیه در زندگی عشایر، معادل فضای درونی چادر است. منظور از سطح ثانویه، فضای باز بین چادرها و سطح عمومی همان فضای باز میانی ورود² می‌باشد. از طرفی بررسی مفهوم قلمرو در هر کدام از سه حوزه مذکور، هم از منظر کالبدی، هم از منظر عملکردی و هم از منظر معاشناسی قابل بررسی است. لذا این پژوهش در بعد کالبدی، به معرفی شاخص‌های کالبدی تبیین‌کننده مفهوم قلمرو در هر کدام از سه حوزه زندگی عشایری می‌پردازد. در بعد عملکردی به استخراج الگوهای رفتاری می‌پردازد که در هر کدام از سه قلمرو مذکور رخ می‌دهند و در سطح معاشناسی به

بررسی معانی مختلفی می‌پردازد که افراد نسبت به حضور در هر کدام از سه قلمرو مورد نظر ادراک می‌نمایند. بر این اساس، چارچوب نظری تحقیق به صورت نمودار شماره 1 قابل تبیین است.



ن 1. چارچوب نظری پژوهش. (مأخذ: نگارندگان).

روش تحقیق

همان‌گونه که پیش از این عنوان گردید هدف پژوهش حاضر، بازشناسی مفهوم قلمرو در سه حوزه فضای خصوصی، نیمه‌عمومی و عمومی زندگی عشایر با تأکید بر سه جنبه کالبدی، رفتاری و معناشناسی است. بر این اساس پس از انتخاب نمونه موردی، با استفاده از ترسیم کروکی به استخراج شیوه چیدمان فضایی چادرها در محل اتراق ایل مورد نظر پرداخته شد.³ گردآوری اطلاعات از طریق مشاهده حضوری و نیز مصاحبه با ساکنین ایل مورد نظر انجام گرفت.

در مرحله اول قلمروهای سه‌گانه زندگی عشایر از منظر کالبدی در نمونه مورد نظر مشخص گردید. در این ارتباط، مجموعه عناصر و اجزایی استخراج گردید که در شکل‌گیری کالبدی هر کدام از قلمروهای سه‌گانه خصوصی، نیمه‌عمومی و عمومی تأثیرگذار هستند. در مرحله دوم با مشاهده فعالیت‌های مختلف افراد ساکن در ایل، به استخراج

الگوهای رفتاری آن‌ها در هر کدام از سه قلمرو مورد نظر پرداخته شد و در نهایت نیز با استفاده از تکنیک مصاحبه، معانی مختلفی که افراد در هر کدام از این سه حوزه قلمرو در ذهن دارند، استخراج گردید.

نمونه موردی

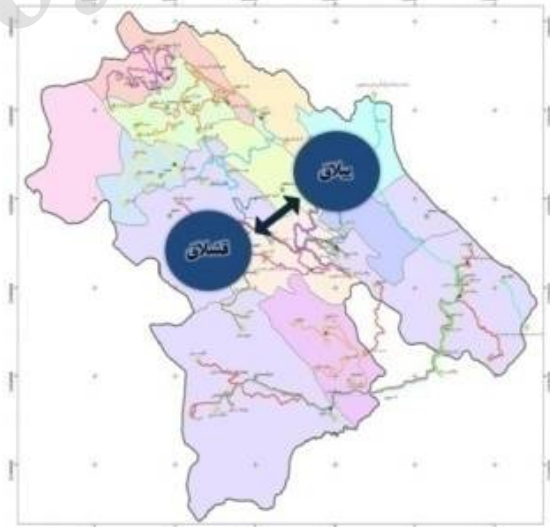
نمونه موردی در این پژوهش، ایل سادات محمودی از عشایر کوچنده بویراحمد واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد. عشایر بویراحمد اتحادیه‌ای از طوایف و تیره‌های متعدد است که در سه واحد سیاسی بویراحمد گرمسیر، بویراحمد سردسیر علیا و بویراحمد سردسیر سفلی سکونت دارند. ایل سادات محمودی از توابع عشایر بویراحمد سفلی است که ییلاق این طایفه در منطقه سردسیری بویراحمد سفلی و قشلاق آن در منطقه گرمسیری کهگیلویه است. ایل‌راه آن بر روی نقشه استان در تصاویر شماره 2 الی 4 قابل مشاهده است.



ت 4. سیمای خارجی عشایر سادات محمودی.



ت 2. ایل راه عشایر بویراحمد سفلی.
 مأخذ: نگارندگان (با استفاده از نقشه ارائه شده
 توسط سازمان امور عشایر، 1391).



ت 3. قلمرو عشایر بویراحمد سفلی.
 مأخذ: نگارندگان (با استفاده از نقشه ارائه شده
 توسط سازمان امور عشایر، 1391).

تجزیه و تحلیل یافته‌ها و بحث

مرحله اول: تبیین قلمرو کالبدی معماری کوچ

در این بخش به شناخت ویژگی‌ها و عناصر کالبدی تعریف‌کننده قلمرو کالبدی در سه حوزه خصوصی، نیمه‌عمومی و عمومی در معماری نمونه موردی پرداخته می‌شود. برای این منظور، پس از مراجعه به محل استقرار ایل مورد نظر، به ترسیم ساختار فضایی و نوع چیدمان سیاه‌چادرها و عناصر وابسته به آن‌ها پرداخته شد که کروکی آن در تصویر شماره 5 ارائه شده است. در ادامه عناصر و اجزای کالبدی هر کدام از قلمروهای سه‌گانه در جدول شماره 1 ارائه شده است. همان‌گونه که از داده‌های جدول شماره 1 نمایان است، قلمرو اولیه شامل محدوده فضای سیاه‌چادر می‌باشد. در این فضا از عناصری چون بالشت، فرش، اجاق (چاله) و تلواره نگهدارنده رختخواب استفاده می‌شود که نوع چیدمان این عناصر در منطقه ییلاقی و قشلاقی نیز با یکدیگر متفاوت است.

ویژگی‌های کالبدی قلمرو اولیه

سیاه‌چادر عشایر به نوعی یک فضای نیمه‌باز است که از سه طرف بسته و از یک طرف باز می‌باشد.

معمولاً جهت گیری این سیاه چادرها به سمت قلمرو نیمه عمومی می باشد که این امر علاوه بر تأمین دید مناسب به سمت این فضا، موجب تعریف قلمرو نیمه عمومی نیز می شود (تصویر شماره 6).



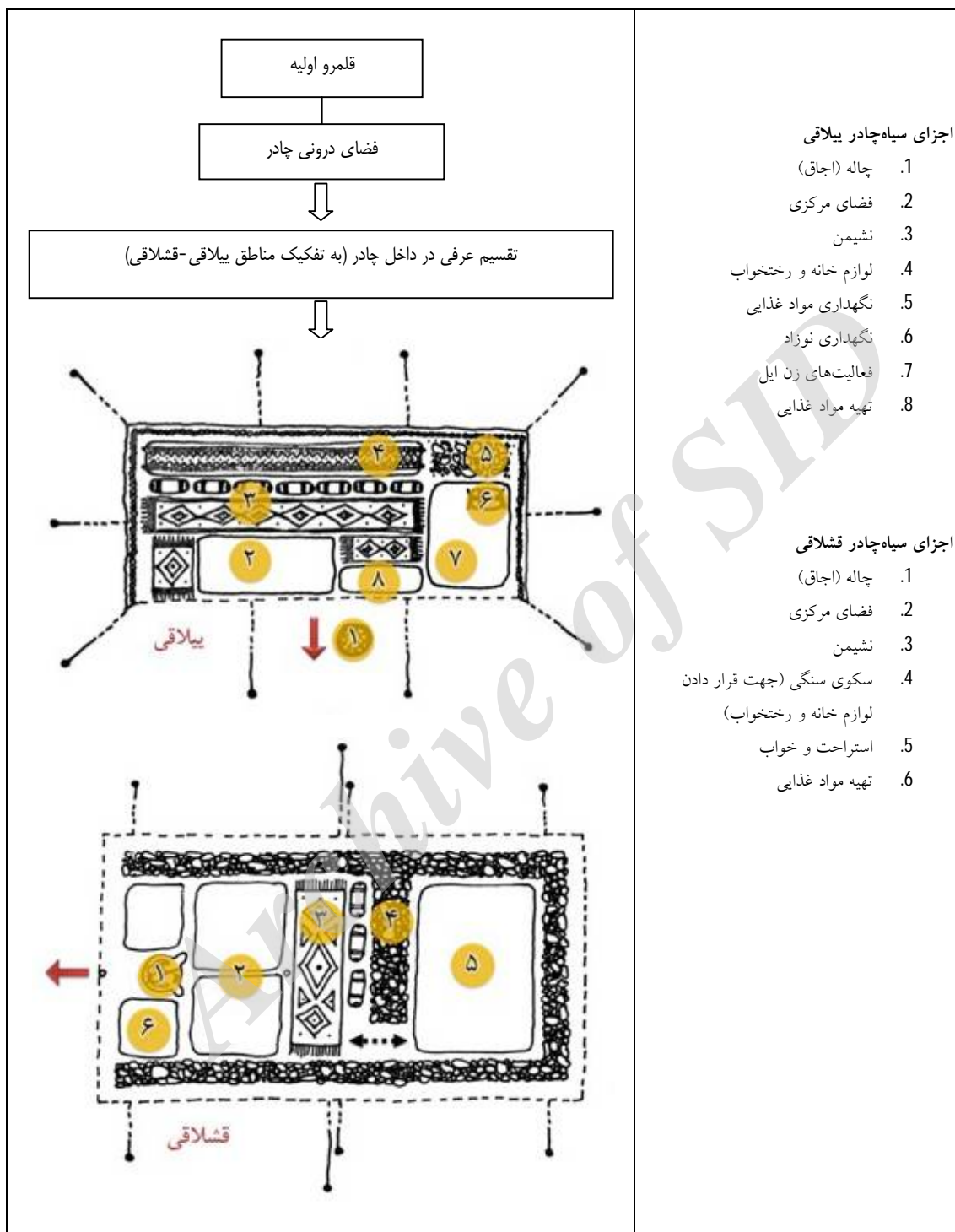
ت 5. کروکی یورد عشایر سادات محمودی. مأخذ: نگارندگان.

تفسیر	تصویر	ویژگی کالبدی	نمود قلمرو	شاخص قلمرو	ابعاد کالبدی قلمرو
سیاه چادر کوچک ترین قلمرو در معماری کوچ است.		استفاده از سیاه چادر به عنوان مرز تعریف کننده فضای خانه	عناصر موجود در فضای داخلی چادرها	اولیه	ابعاد کالبدی قلمرو
کارکرد مبلمان بومی جهت تفکیک فضایی		استفاده از عناصری چون بالشت و تشک به منظور تفکیک فضای درون چادر			
جایگاه مهمان، جایگاه ویژه ای است که از بهترین چیدمان برخوردار است و این خود باعث تفکیک آن می شود.		استفاده از جنس و رنگ قالیچه به منظور تفکیک فضای مهمان از اهل چادر			

ج 1. ابعاد کالبدی قلمرو. مأخذ: نگارندگان.

تفسیر	تصویر	ویژگی کالبدی	نمود قلمرو	شاخص قلمرو	
فضای دام از انسان جدا شده ولی چادرها به نوعی استقرار می‌یابند که اشراف کامل به فضای دام داشته باشند ⁴ .		استفاده از حصار چوبی به منظور تفکیک فضایی بین دو بخش انسانی و حیوانی			
هر کدام از عناصر چاله، ملار، تلواره و انباره هیزم، خود باعث به وجود آمدن خردقلمروهایی در فضای باز بین چادرها می‌شود. مجموعه این عناصر که به یک خانوار تعلق دارند، باعث تعریف قلمرو ثانویه برای این خانواده‌ها شده است.		استفاده از عنصر اجاق (چاله) به منظور تعریف قلمرو پخت و پز و فعالیت زنان ایل	عناصر موجود در فضای باز بین چادرها	ثانویه	ابعاد کالبدی قلمرو
		نصب ملار (ابزار دوغ زنی) در فضای خارج از چادر در محدوده قلمرو ثانویه			
		استقرار چهارپایه نگهدارنده وسایل پخت و پز (تلواره) در محدوده قلمرو ثانویه			
		دپو هیزم در محدوده قلمرو ثانویه			
این فضا، مابین خردقلمروهایی موجود است و توسط همین خردقلمروها شکل می‌گیرد.		تشکیل این فضا به واسطه چیدمان سیاه‌چادرهای هر خانوار	فضای باز میانی	عمومی	
هموارترین سایت موجود برای این منظور انتخاب می‌شود.		توجه به توپوگرافی زمین و انتخاب سایت مسطح برای حوزه عمومی			

ادامه ج 1. ابعاد کالبدی قلمرو. مأخذ: نگارندگان.



ت 6. چیدمان داخلی سیاه چادر. مأخذ: نگارندگان.

ویژگی‌های کالبدی قلمرو ثانویه

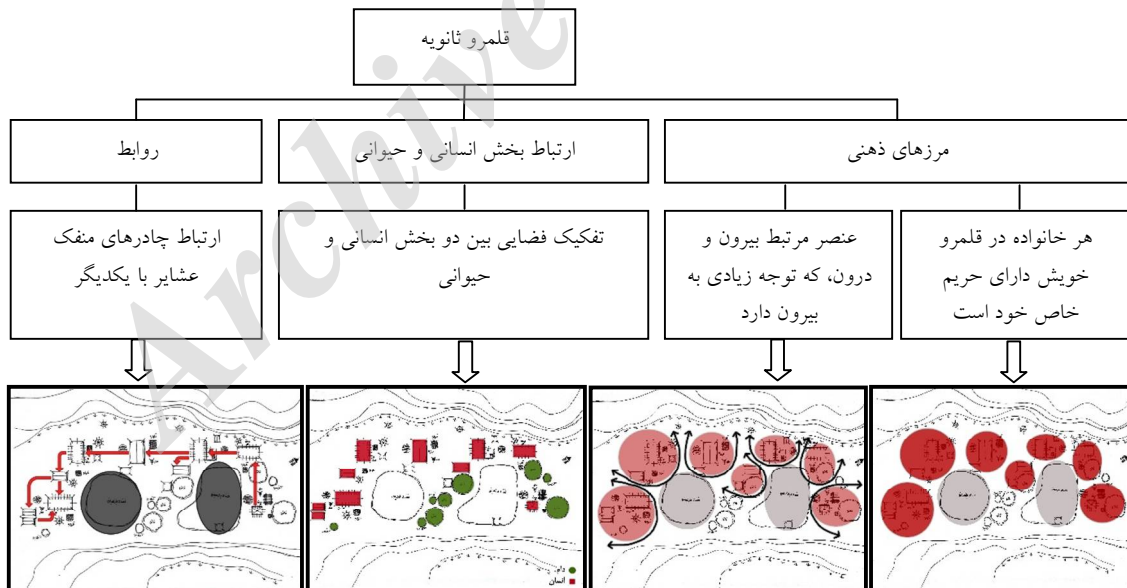
همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، زندگی کوچ‌نشینان وابسته به دام است. لذا اختصاص فضایی مخصوص نگهداری دام در معماری کوچ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. همچنین این فضا باید در نزدیکی محل اتراق آن‌ها باشد تا بدین وسیله اشرافیت کافی نسبت به آن وجود داشته باشد. بر این اساس حد فاصل سیاه چادر و فضای نگهداری دام به‌عنوان قلمرو ثانویه شناخته می‌شود (تصویر شماره 7).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در سکونتگاه عشایر، مرز بین فضاها به‌واسطه دیوارهای ساخته شده به وجود نیامده است بلکه این مرزها به‌واسطه حدود ذهنی مشخص می‌شود. این مرزهای ذهنی در محدوده قلمرو ثانویه باعث تعریف و تفکیک حریم خانوارها از یکدیگر در سایت کلی شده است که این مرزها از طریق محل آغل گوسفندان، محل استقرار دپو هیزم،

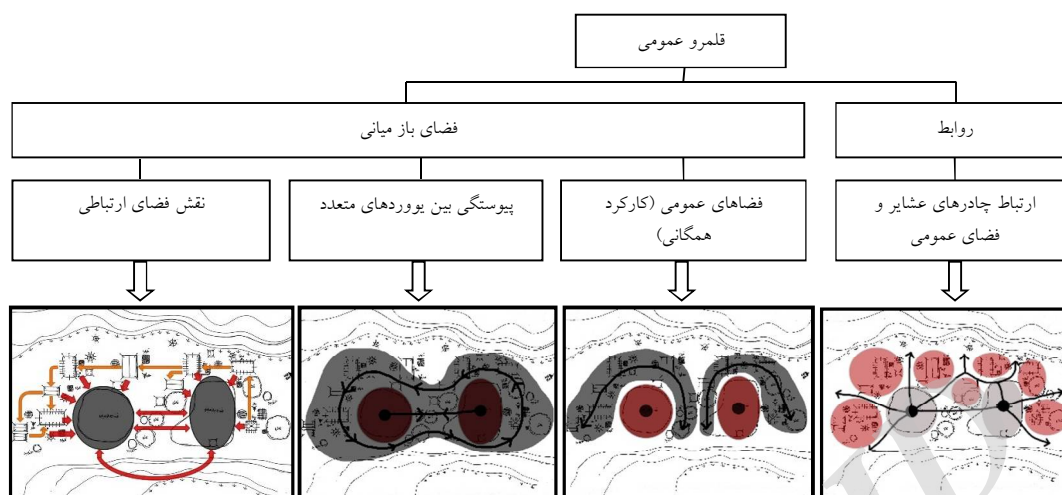
محل نصب ملار و نیز محل استقرار سکوی وسایل، برای سایر ساکنین ایل مشخص می‌شود. لذا منظور از مرز ذهنی، همان محدوده‌ای است که در حدفاصل این عناصر به‌عنوان قلمرو ثانویه شکل می‌گیرد. با این حال بدیهی است که برخی از عناصر مذکور مانند آغل، دارای یک حصارکشی عینی هستند که محدوده خود آن عنصر را در فضا مشخص می‌کند.

ویژگی‌های کالبدی قلمرو عمومی

در ارتباط با قلمرو عمومی در ساختار فضایی ایل، می‌توان به فضای باز بین چادرها اشاره نمود. این فضا به‌واسطه نوع چیدمان سیاه‌چادرهای خانوارهای ایل شکل می‌گیرد و معمولاً یک فضای مسطح برای این منظور انتخاب می‌شود. این فضا به مانند یک حیاط مرکزی، محل گردهمایی‌های عمومی افراد ایل و همچنین انجام فعالیت‌های همگانی در سطح ایل می‌باشد (تصویر شماره 8).



ت 7. ابعاد کالبدی قلمرو ثانویه. مأخذ: نگارندگان.



ت 8. ابعاد کالبدی قلمرو عمومی. مأخذ: نگارندگان.

نیازهای فردی مانند پخت و پز، شستشو و نگهداری از کودک، رفتارهای مربوط به گذران اوقات فراغت مانند شاهنامه‌خوانی و متیل‌گویی و نیز رفتارهای مربوط به تعاملات اجتماعی و صله ارحام است (تصویر شماره 9).

الگوهای رفتاری مربوط به قلمرو ثانویه

بیشترین الگوی رفتاری که در قلمرو ثانویه انجام می‌گیرد، مربوط به فعالیت‌های مرتبط با امرار معاش می‌باشد. این قلمرو که بیشتر توسط زن خانوار مورد استفاده قرار می‌گیرد، با رفتارهایی چون دوشیدن دام، رسیدن نخ، پخت و پز و مواردی از این دست، همراه است (تصویر شماره 10).

الگوهای رفتاری مربوط به قلمرو عمومی

قلمرو عمومی شامل فضای باز مسطح میانی چادرها است. از این فضا بیشتر به منظور انجام رفتارهای جمعی و تعاملات اجتماعی میان افراد انجام می‌گیرد. در این فضا عموماً مراسم آیینی چون عروسی، بازی‌های محلی و همچنین سوادآموزی کودکان انجام می‌پذیرد (تصویر شماره 11).

همان‌گونه که از تصاویر شماره 7 و 8 مشخص است، فضاهای باز در قلمرو عشایر مکان‌هایی برای برقراری روابط اجتماعی و همچنین ایجاد پیوستگی بین یورت‌های متعدد به عنوان واحدهای تشکیل‌دهنده این قلمرو هستند. افراد در این مکان گرد هم می‌آیند و بر مبنای سنت‌های کهن جشن‌ها، اعیاد، مراسم عزاداری و مذهبی را برگزار و از این طریق با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.

مرحله دوم: تبیین قلمرو رفتاری معماری کوچ

در این بخش به شناخت الگوهای رفتاری که در هر کدام از قلمروهای اولیه، ثانویه و عمومی انجام می‌گیرد، پرداخته می‌شود. به منظور استخراج این الگوهای رفتاری از روش مصاحبه و مشاهده استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره 2 ارائه شده است.

الگوهای رفتاری مربوط به قلمرو اولیه

همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، رفتارهایی که در قلمرو اولیه (فضای درونی سیاه‌چادر) انجام می‌گیرد، شامل رفتارهای روزمره، در جهت رفع

تفسیر	رفتارهای جاری	شاخص قلمرو			
<p>رفتارهایی که در قلمرو اولیه رخ می‌دهند اغلب رفتارهایی هستند که در حوزه معیشتی زندگی فرد می‌باشند. این فضا که از طریق نوع پوشش کف (گلیم و جاجیم) و نیز با استفاده از بالشت تفکیک شده است، خود به دو بخش خصوصی و عمومی تقسیم شده است. بخش خصوصی بیشتر محل فعالیت‌های زن خانواده است که در آن فعالیت‌هایی از جمله تهیه و پخت غذا، نگهداری از نوزاد، شست و شو و ... انجام می‌پذیرد. در بخش عمومی سیاه‌چادر علاوه بر پذیرایی از میهمان، شاهنامه‌خوانی و داستان‌سرایی، فعالیت‌هایی چون خوابیدن و استراحت کردن نیز انجام می‌پذیرد.</p>	<p>خوابیدن</p> <p>صرف وعده‌های غذایی</p> <p>نگهداری از کودک نوزاد</p> <p>راز و نیاز (عبادت)</p> <p>نظافت داخلی سیاه‌چادر</p> <p>نگهداری مواد غذایی</p> <p>پوشش</p> <p>ساخت صنایع دستی سبک</p> <p>پذیرایی از میهمان</p> <p>شاهنامه‌خوانی</p> <p>متیل‌گویی (داستان‌سرایی)</p> <p>برپایی و برچیدن چادر</p> <p>ریسیدن نخ از موی بز</p> <p>بافتن گلیم، قالی، گبه، جاجیم، مرفج و ...</p> <p>شستشو</p> <p>پخت و پز</p>	اولیه			
	<p>به علت کوچک بودن فضای داخلی سیاه‌چادر (حوزه خصوصی)، بخش زیادی از فعالیت‌های روزمره افراد در قلمرو ثانویه به وقوع می‌پیوندد. این حوزه که به نوعی نقش حیاط را در خانه‌های شهری دارد، فضای بیشتری را در اختیار خانوار قرار می‌دهد و فعالیت‌های مختلفی از جمله رسیدگی به دام، تهیه غذا و شستشو، بافتن گلیم و ... در این فضا انجام می‌پذیرد.</p>	<p>بافتن لته‌های سیاه‌چادر</p> <p>علوفه‌دهی دام</p> <p>دوشیدن دام</p> <p>حفاظت و مراقبت از دام</p> <p>حرکت سیال بین فضاهای ورود</p> <p>تهیه هیزم و انباشتن</p> <p>پشم‌چینی دام</p> <p>کمک به یکدیگر در شرایط سخت</p> <p>ریسیدن نخ از موی بز</p> <p>بافتن گلیم، قالی، گبه، جاجیم، مرفج و ...</p> <p>شستشو</p> <p>پخت و پز</p>		ثانویه	
		<p>رفتارهایی که در قلمرو عمومی زندگی کوچ انجام می‌گیرد، بیشتر در حوزه اجتماعی و مربوط به برگزاری مراسمات و رسوم جمعی از جمله عروسی، عزاداری و ... است. این مکان به عنوان فضایی برای گردهمایی‌های اهالی ایل و تعاملات اجتماعی میان آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.</p>		<p>آداب مربوط به مراسم شادی (رقص و سرور جمعی به همراه ساز و دهل)</p> <p>آداب مربوط به مراسم عزای (سوگ با ساز و دهل چپ)</p> <p>رقص محلی</p> <p>بازی‌های محلی</p> <p>سوارکاری</p> <p>مدرسه عشایر</p> <p>ملاقات و گفتگوی کوچ‌نشینان</p> <p>جابه‌جایی فصلی (کوچ)</p>	عمومی

ج 2. ابعاد رفتاری قلمرو. مأخذ: نگارندگان.



ت 9. دیاگرام رفتاری در قلمرو اولیه. مأخذ: نگارندگان.



ت 10. دیاگرام رفتاری در قلمرو اولیه. مأخذ: نگارندگان.



ت 11. دیاگرام رفتاری در قلمرو عمومی. مأخذ: نگارندگان.

مرحله دوم: تبیین قلمرو معنایی معماری کوچ

در این بخش به بررسی معانی که ساکنین مختلف معماری کوچ نسبت به هر کدام از قلمروهای اولیه، ثانویه و عمومی در ذهن دارند پرداخته می‌شود. به منظور استخراج معانی مختلفی که افراد نسبت به فضاهای مختلف سکونت‌گاهشان در ذهن دارند، از ابزار مصاحبه با ساکنین بهره گرفته شد. در این بخش از افراد پرسیده شد که "زمانی که در هر کدام از قلمروهای مذکور قرار می‌گیرند و یا با مشاهده رفتارهایی که در هر کدام از قلمروهای مذکور اتفاق می‌افتد، چه معنایی

برای آن‌ها تداعی می‌شود؟" بر این اساس، افراد معانی و احساسات مختلفی که نسبت به هر کدام از قلمروهای مذکور در ذهن داشتند را ارائه نمودند که نتایج آن در جدول شماره 3 ارائه شده است. همان‌گونه که از جدول شماره 3 نمایان است، معانی مختلفی که افراد نسبت به حوزه‌های مختلف زندگی‌شان ارائه نموده‌اند، بیش از هر چیز متأثر از الگوهای رفتاری است که در آن حوزه انجام می‌گیرد. به این معنا که در قلمرو خصوصی، به‌واسطه انجام

نتیجه

الگوهای کالبدی و فضای زندگی مردم کوچ را می‌توان در سه قلمرو اولیه (خصوصی)، ثانویه (نیمه‌عمومی) و عمومی تقسیم نمود. قلمرو اولیه شامل فضای درونی سیاه‌چادر است که محل زندگی افراد یک خانوار می‌باشد. قلمرو ثانویه به فضای باز جلو چادر اطلاق می‌شود که حد فاصل چادر تا محل استقرار دام را شامل می‌شود. در این فضا، محل تهیه مواد غذایی و لبنیات، شست و شو و نیز محل نگهداری دام قرار دارد. قلمرو عمومی نیز به فضای باز میانی چادرها اطلاق می‌شود که از تجمع چند سیاه‌چادر شکل گرفته است. در هرکدام از قلمروهای مذکور، رفتارهایی انجام می‌گیرد که می‌توان به رفتارهای معیشتی شامل غذاخوردن، استراحت کردن، پذیرایی از میهمان و ... در حوزه خصوصی، رفتارهای مربوط به امور دام، تهیه غذا، شست و شو و مواردی از این‌دست در حوزه ثانویه و در نهایت انجام رفتارهایی در ارتباط با فعالیت‌های اجتماعی از جمله گردهمایی، انجام مراسم آیینی و ... در حوزه عمومی اشاره نمود. در نهایت هر کدام از قلمروهای مذکور و نیز رفتارهایی که در آنها انجام می‌گیرد، منجر به شکل‌گیری معانی مختلفی در اذهان عشایر می‌گردد که این معانی، به‌عنوان ویژگی‌های زندگی عشایر در اذهان عمومی نمود می‌یابد. از جمله این معانی می‌توان به سلحشوری، میهمان‌نوازی، آزادی و خودبسندگی اشاره نمود.

نتیجه‌ای که از تحلیل و تفسیرهای انجام شده در پژوهش حاصل شد این است که کالبد، منجر به شکل‌گیری الگوهای مختلف رفتاری می‌شود و این الگوهای رفتاری، معانی را ایجاد می‌کنند که با آنها مرتبط بوده و از آنها ادراک می‌شوند. می‌توان از معانی نیز به شناخت کالبد معماری کوچ پرداخت. چنین به‌نظر

رفتارهای فردی، معانی که در ذهن ساکنین شکل گرفته است نیز به نوعی معانی فردی می‌باشد. این در حالی است که هر چه فرد از فضای درونی چادر به فضای باز جلو چادر نزدیک می‌شود، به‌واسطه روابط اجتماعی بیشتری که در آن محیط رخ می‌دهد، معانی نیز به وجوه اجتماعی نزدیک می‌شود و در نهایت در حوزه قلمرو عمومی، معانی بیش از هر چیز وجوه نوستالژیک و اجتماعی به خود می‌گیرد.

معانی ادراک شده	شاخص قلمرو	
محرمیت	اولیه	ابعاد معنایی قلمرو
حریم خصوصی		
آرامش روحی		
حفاظت		
خودبسندگی		
مهمان‌نوازی (تکریم مهمان)		
پاکیزگی		
آزادی		
تکریم بزرگان و سران طوایف و ریش‌سفیدان		
گذران اوقات فراغت		
تعاون	ثانویه	
خودبسندگی		
امنیت		
پاکیزگی		
آزادی		
گذران اوقات فراغت	عمومی	
اتحاد		
دلاوری و سلحشوری		
صله ارحام		
آزادی		
آموزش و پرورش (سواد)		
روابط قومی و قبیله‌ای		

ج 3. ابعاد معناشناختی قلمرو. مأخذ: نگارندگان.

می‌رسد که روابط میان کالبد، رفتار و معنا در معماری کوچ، یک رابطه سه سویه و مرتبط است. برخی از رفتارها به طور مشترک در هر سه حوزه اتفاق می‌افتد، این موضوع مبین آن است که قلمروها در هر سه حوزه دارای اشتراکاتی هستند که باعث پیوند قلمرو زندگی عشایر شده و یک مجموعه کلی و به هم پیوسته را شکل می‌دهد. در نهایت، یافته‌های پژوهش در جدول شماره 4 قابل مشاهده است.

معنا	الگوهای رفتاری	کالبد	سطح
حریم خصوصی	خوابیدن	فضای درون چادر	اولیه
	صرف وعده‌های غذایی		
	نگهداری از کودک نوزاد		
خودبستگی	ریسیدن نخ از موی بز		
	بافتن گلیم، قالی، گبه، جاجیم و ...		
	تهیه مواد غذایی		
گذران اوقات فراغت	شاهنامه خوانی		
	متیل‌گویی		
مهمان‌نوازی	پذیرایی از مهمان		
حفاظت	برپایی و برچیدن چادر		
آرامش روحی	راز و نیاز		
پاکیزگی	شستشو		
	نظافت داخل سیاه‌چادر		
محرمیت	چرخش جهت ورودی چادرها		
آزادی	پوشش		
تکریم بزرگان و سران ایل	اختصاص فضایی به عنوان بالانشین		
خودبستگی	بافتن آتیه‌های سیاه‌چادر	فضای باز بین چادرها	ثانویه
	علوفه‌ده دام		
	دوشیدن دام		
	تهیه هیزم و انباشتن		
	پشم‌چینی دام		
	ریسیدن نخ از موی بز		
	بافتن گلیم، قالی، گبه، جاجیم و ...		
تهیه مواد غذایی			
امنیت	حفاظت و مراقبت از دام		
پاکیزگی	شستشو		
تعاون	کمک به یکدیگر در شرایط سخت		
آزادی	حرکت سیال بین فضاهای یورد		
روابط قومی و قبیله‌ای	آداب مربوط به مراسم شادی	فضای باز میانی	عمومی
	آداب مربوط به مراسم عزا		
اتحاد	رقص محلی		
گذران اوقات فراغت	سوارکاری		
دلاوری و سلحشوری	بازی‌های محلی		
آموزش و پرورش	مدرسه عشایر		
صله ارحام	ملاقات و گفتگو		
آزادی	جابه‌جایی فصلی (کوچ)		

ج 4. کالبد، رفتار و معنا در سه حوزه مذکور. مأخذ: نگارندگان.

پی‌نوشت

1. Life Style
2. ورود (یورد): تجمع چند خانوار ایلی که از یک طایفه می‌باشند و در یک مکان مشترک اتراق دارند.
3. لازم به ذکر است با توجه به این که محل اتراق ایلی در بیلاق و قشلاق، عموماً ثابت است، لذا نوع چیدمان در این دو اقامتگاه نیز همواره ثابت می‌باشد.
4. بعضی مواقع در مناطق سردسیری، به جهت محدودیت‌های اقلیمی و نیز تأمین امنیت، دام و انسان هر دو در یک مکان (سیاه‌چادر) قرار می‌گیرند.

فهرست منابع

- لنگ، جان (1938)، ترجمه علیرضا عینی‌فر. آفرینش نظریه معماری، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران.
- Altman, I., & Haythorn, W. W. The ecology of isolated groups. Behavioral Science, 1967, 12, 169-182.
- Altman, I., Taylor, D. A., & Wheeler, L. Ecological aspects of group behavior in social isolation. Journal of Applied Social Psychology, 1971, 1, 76-100.
- Altman, Irwin (1975), Environment and Social Behavior, Monterey, Ca.: Brooks/Cole.
- Benedikter Roland, Juergensmeyer M, Anhe H., (2011), Lifestyle, the Sage Encyclopedia of Global Studies.
- Chemero, A. (2003). An Outline of a Theory of Affordances. Journal of Ecological Psychology, 15(2), 181-195.
- Lawson, Bryan (2001), The Language of Space, Butterworth-Heinemann, London.
- Lee Hyun-Jeong, (2005), Influence of Lifestyle on Housing Preferences of Multifamily Housing Residents, Dissertation Submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in Partial Fulfillment of the Requirements.
- Newman, Oscar, "Creating defensible space". Institute for community design analysis, 1996.
- Park, R. E., Burgess, E. W., & McKenzie, R. D. The city, Chicago. Chicago: University of Chicago Press, 1925.
- Pastalan, L. A. Privacy as an expression of human territoriality. In L. A. Pastalan and D. H. Carson (Eds.), Spatial behavior of older people. Ann Arbor: University of Michigan Press, 1970. Pp. 88-101.
- (a)
- Pastalan, L. A. Privacy as a behavioral concept. Social Forces, 1970, 45(2), 93-97. (b)
- Rapoport, Amos. 2005. Culture, Architecture, and Design. Chicago: Locke Science Publishing Company, Inc.
- Roberts, Craig & Russell, Julia (2002), Angles on Environmental Psychology, Nelson thornes Ltd.
- Sundstorm, E., & Altman, I. Field study of dominance and territorial behavior. Journal of Personality and Social Psychology, 1974, 30(1), 115-125.
- Thrasher, F. M. The gang. Chicago: University of Chicago Press, 1927.
- Whyte, W. F. Street corner society. Chicago: University of Chicago Press, 1943.
- Yablonsky, L. The violent gang. New York: Macmillan, 1962.
- Zorbaugh, H. W. The Gold Coast and the slums. Chicago: University of Chicago Press, 1929.
- افشارنادری، نادر؛ صفی‌نژاد، جواد؛ رسترپو، الویا. (1391)، ایلی بهیمی، انتشارات خجسته.
- افشاری، محسن؛ افشاری، شهرام. (1394)، توالی معنادار فعالیت‌ها در مسکن، مطالعات معماری ایران، شماره 7، 5-17.
- افشاری، محسن؛ افشاری، شهرام. (1394)، سازگاری محیط با روش زندگی انسان، مسکن و محیط روستا، شماره 152، 3-16.
- امان‌اله بهاروند، اسکندر. (1360)، کوچ‌نشینی در ایران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- برخوردار، ارسلان. (1384)، کوچ‌نشینان ایران، تهران، انتشارات داستان.
- پاکزاد، جهان‌شاه؛ بزرگ، حمیده. (1393)، الفبای روانشناسی محیط برای طراحان، چاپ دوم، انتشارات آرمانشهر.
- پوردیهیمی، شهرام؛ نورتقانی، عبدالمجید. (1392)، هویت و مسکن، بررسی ساز و کار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی. مسکن و محیط روستا، شماره 141، 3-18.
- شرکت امور عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد. (1391)، شناسایی و احیاء ایله‌راه‌های استان کهگیلویه و بویراحمد.
- صفی‌نژاد، جواد. (1362)، ابزار کار سنتی در عشایر مرکزی ایران، انتشارات اتحادیه مرکزی تعاونی‌های عشایری ایران.
- صفی‌نژاد، جواد. (1368)، عشایر مرکزی ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- عینی‌فر، علیرضا؛ آقالطیفی، آزاده. (1390)، مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی، نشریه هنرهای زیبا، شماره 47، 17-28.
- لفافچی، مینو. (1388)، معماری کوچ در عشایر قشقایی، رساله کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.